

تعلیم و تربیت

سال ششم

اسفند ماه ۱۳۱۵

شماره ۲۲

انواع مختلف حافظه و هدفهای تحصیل

«خلاصه کنفرانس آقای پروفیسور هاز استاد دانشگاه تهران در سالن دارالفنون»
اساس و پایه تحصیل و تعلیم حفظ مطالبی است که آن ها را درک نموده و فهمیده ایم
حافظه بمناسبت عادت‌های که درباره آن داریم در نظر ما اهمیت خود را اغلب از دست داده است:
آیا در اطراف عجایب آن هیچ فکر کرده ایم زیرا حافظه دارای خواص عجیب و قوای
غریب و مرموزی است و همین قوه حافظه است که با انسان اوصاف عجیب و غریبی داده، فیلسوف
معروف قرون وسطی او کتب آن را فسر با ساختمان و سبب حافظه نامیده که منبع عجایب
و غرائب است:

اغلب ما بعضی حقایق و مطالب را بدون اراده خود اخذ و ضبط نموده و در
مورد دیگر بآن متذکر می شویم، آیا تمجب آور نیست که گاهی برای حفظ مطالبی سعی
و اراده خود را بکار میبریم مانند بستن موفق بحفظ آن می‌شویم و گاهی دیگر نیز بدون
میل و اراده مطالبی که ما در آنها ذنبغ نیستیم در حافظه و خاطر ما نقش بسته و در مورد
متناسب در مد نظر مجسم می شود:

حافظه را میتوان بیک ماشین منظم خودکاری تشبیه نمود که اغلب بدون اراده ما مستقیماً
و مستقلاً مطابق میل و قوانین مخصوص خود کار میکند، این ماشین دقیق و منظم در
تحت اختیار و مورد استعاده ما است ولی لزومی ندارد که در تمام موارد و در هر حال ما
آین را اداره نموده و در تحت تاثیر قرار دهیم البته اگر با قوانین و نظاماتی ساختمان
این ماشین خودکار را بشناسیم بهتر می توانیم بآن احاطه و تسلط یافته و مطابق هدفها و
نظریات و اراده خود آن استفاده نماییم.

میدانیم که امروزه يك علم مستقل و بحث مفصلی در باره حافظه وجود دارد که در روانشناسی علمی و تئوری از بزرگترین مباحث است. اغلب شما خودتان درباره نیب های مختلف حافظه شاید تجربه و مطالعه نموده اید که انواع حافظه چقدر ممکن است باهم متفاوت باشند مثلا بعضیها ولو چندین مرتبه مطالبی را آهسته بخوانند نمیتوانند یاد بگیرند باید آنرا بگوش خود بشنوند، این قبیل اشخاص حافظه سمعی شان قوی تر است، بعضی ها با شنیدن فقط نمیتوانند حفظ نمایند بلکه باید خودشان مطالبی را خوانده و مطالعه نمایند، این نوع حافظه را حافظه بصری میگویند و همینطور انواع مختلف حافظه وجود دارد مثلا بعضیها در موقع مهیا شدن برای امتحان باید در نزدیکیترین موقع با امتحان یکبار بدروسی خود مواجهه و آن را حاضر نمایند در صورتی که برخی دیگر مستقیما قبل از امتحان باید استراحت فکری داشته باشند یعنی پس از حفظ و یاد گرفتن باید مدت چند روزی بگذرد تا مطالب حفظ شده بهتر جایگیر شده و در صفحه خاطر نقش به بندد.

باز مطالعه و مراجعه بنفس نشان میدهد که این ماشین دقیق و منظم حافظه همیشه در تمام موارد مستخدم مطیع و یا آلت بلا اراده ما نبوده و مثل اینکه گاهی خود را مانند فرد مستقل اجنبی نسبت بما نشان داده و مطابق اراده و امیال و خواستههای خود وحشی گاهی بر علیه ما کار می کند مثلا بطوریکه گفته شد گاهی بعضی مطالب را که ما لازم نداریم و در حفظ آنها ذینفع نمی باشیم حفظ میکنند و بدون اراده ما در صفحه حافظه نقش می بندد در صورتیکه در موارد مهم و جدی دیگر مطالب لازم را حفظ ننموده و بخاطر نمی یاریم، چنانکه گاهی مشاهده شده مطالبی که خوب حاضر و مهیا نموده ایم در مواقع سخت و بحرانی مانند موقع امتحان حافظه برای تذکار و یادآوری آن باری نمیتواند ولی بعد از گذشتن امتحان که آنرا لازم نداریم بخاطر می آوریم.

امروز نمیخواهیم در باره عجایب حافظه صحبت نماییم بلکه مطالعه مختصری در اطراف انواع سه گانه یا سه صورت مخصوص حافظه نموده و در باره معلومات و معرفتی که هر کدام از این انواع حافظه برای ما ایجاد می نماید و همینطور مختصری در باب این سه حافظه و معرفت متناسب با هر کدام از آنها که در باره زندگی شخصی و حرفه ای واجتماعی ما اهمیت دارد بویژه آنچه که اینها در باره ترتیب معنوی و روحی ما انجام می دهند اشاره مینماییم.

۱ - بدوا از پست ترین درجات حافظه شروع می نماییم که عبارت از حافظه خودکار باشد، قسمت اعظم عملیات و کارهایی که ما در زندگی روزانه عادی انجام میدهیم مربوط به حافظه خودکار است مثلا بیچه در بدو امر که میخواهد راه برود می بایستی آنرا دقیقا یاد گرفته و ورزش و مشق درباره راه رفتن بنماید ولی بتدریج عادی و خودکار شده

و بدون توجه و اعمال سعی و اراده بطور خود کار راه می رود . نوشتن و خواندن و حساب کردن که دائما با آن ها تماس داریم در بدو امر مستلزم صرف دقت و سعی بوده ولی حالا در نتیجه عادت ، حافظه خود کار بدون توجه مخصوص ما خود بخود انجام می یابد ، در بدو امر وقتیکه نوشتن را یاد می گرفتیم لازم بود که در باره هر حرف و کلمه دقت مخصوصی نموده و حروف و کلمات را ترکیب و جمله بندی نماییم . همینطور در مورد خواندن ولیکن حالا ابتدا بحروف و خطوط توجه نموده بلکه مقصود اصلی یعنی معانی آن ها را مورد توجه قرار میدهیم یعنی خواندن و نوشتن بدون توجه مابطور خود کار عملی می شود ، شاید زحمانی که برای یاد گرفتن جدول ضرب کشیده ایم هیچکس فراموش ننموده ولی اکنون بطور خودکار با مانند ماشین آن ها را متذکر می گردیم حتی اگر توجه دقیق بیاد آوری آن ها نمایم هر آینه ممکن است گاهی فراموش گردد .

در کلیه این موارد و درباره اغلب معاومات و اطلاعاتی که مورد استفاده زندگی عملی و عانی است عملیات با معلومات محفوظی ما تبدیل بیک شکل خودکار و ماشینمانندی گردیده که بدون لزوم دخالت توجه مخصوص مادر حین لزوم منظمآ کار میکنند، چنانکه دو چرخه سواری و اتومبیل رانی بدون توجه و صرف اراده بطور خودکار انجام می یابد در صورتیکه در بدو امر برای یاد گرفتن آن ها توجه و دقت زیادی لازم بوده است . اغلب صاحبان حرف و مشاغل از معلومات و اطلاعات اختصاصی حرفه های خود بطور خودکار استفاده مینمایند حتی بعضی اصحاب صنایع ظرفه نیز قسمت بیشتر کارهاشان بطور خودکار صورت میگیرد ، یکنفر طبیب وقتی بیماری را که صد ها بار امتال او را دیده و معاينه کرده بدون توجه مخصوص فوری مرض او را تشخیص داده و بطور خودکار نسخه از دوا های مختلف می نویسد .

حافظه خودکار برای زندگی عملی و اطلاعات علمی ما دارای فوائد زیادی است از جمله آن ها بطور اجمال این دو فائده مهم است :

۱- هر کار و عملی که از روی عادت و خودکاری اجرا میشود مطمئن و بدون خدشه و خطاست در صورتیکه کار هائی که با توجهی مخصوص و برای اولین بار اجرا می شود ممکن است با عدم موقیت و با خطا کاری منتهی گردد .

۲- می توانیم توجه و اراده خود را از خودکاری حافظه صرفه جوئی نموده و بمطالب و مسائل دیگر بپردازیم در صورتیکه اگر بنا بود که درباره جرئیات زندگی عادی از روی فکر و توجه و دقت عمل نمایم کار زندگی خیلی مشکل می شد و نمی توانستیم

ولی عیب بزرگ اطلاعات، و معلومات و عملیات ناشیه از حافظه خودکار این است که معلومات و عمل خودکار اغاب بی روح و خشک است البته این خشکی و بی روحی در باره خواندن، نوشتن، راه رفتن، دوچرخه سواری، انومبیل زانی و غیره ضرری ندارد زیرا این مطالب مقصود حقیقی ما نبوده و هدف اصلی و مستقیم مانسنتند بلکه اینها را برای هدیهها و مقاصد عالیتری مورد استفاده قرار میدهیم. بنا براین حافظه خودکار و اطلاعات و معلوماتی که از آن بدست می آید فقط قسمتی از معلومات روحی ما را تشکیل میدهد و نباید اجازه داد که بیشتر از حد لزوم وسعت پیدا نماید.

۲ — قسمت بیشتر آنچه را که ما میدانیم و مورد استفاده روحی قرار میگردد عبارت از معلوماتی است که به حافظه زنده و باروح منکی است، این سلسله معلوماتی که در حافظه ما بطور روشن یعنی زنده و باروح وجود دارد، و قوه عاقله عند اللزوم فوراً آنها را مجسم می نماید اینها مطالب و معلوماتی هستند که مانسبت با آنها ذبفع میباشیم و عالماً و عامداً آن ها را یاد گرفته و باصرف توجه رفته رفته عمیق تر و روشن تر مینمائیم.

این معلومات محفوظه عبارت از تربیت کلی ما و آن قسمت از معلومات حرفه ای و عقلی ما را تشکیل میدهد که اساساً درباره آنها ذبفع میباشیم و بطور دانسته و فهمیده و با توجه دقیقی از وجود آنها در زندگی خود استفاده مینمائیم زیرا اگر بنا بود این قسمت از معلومات محفوظه ما نیز خودکار باشد آنگاه ما تبدیل باشن مکانیکی بی روح و خشکی میشدیم، در اینصورت البته خلاف مقام و مرتبه انسانیت بود چه بدترین صفت روحی و یا نقص اخلاقی که در یک انسان ممکن است ظاهر شود همین منقصت است که تمام معلومات و اطلاعات او خودکار و مکانیکی و بی روح باشد. بنا براین اصل است که هنگام تحصیل و دانشجوئی باید سعی کرد که مواد تحصیلی و دروسی که قسمت برجسته معلومات ما را تشکیل میدهد بطور وضوح و از روی فهم باشد نه بطور خودکار، کسی که تمام وظائف و امور حیاتی خود را مانند ماشینی بی روح و انوماتیک انجام میدهد مانند آنت است که اراده از او سلب شده باشد و هر قدر از دیدن چنین آدمی شخص متأثر و کسل می گردد همانقدر از مشاهده دیگری که بر خلاف اولی با استقلال و نشاط هر امری را مورد توجه خاص و مطالعه خویش قرار میدهد خوشحال و امیدوار می شود چنانکه طبیعی در مورد مریض خود با کبلی درباره موکل خویش علاوه بر انجام وظایف اخلاقی و قانونی با حس شرکت و معاون کاری انجام دهند یا مقایسه در نظر آموزگاری که یکی بطور خودکار و مانند ماشینی انجام وظیفه مینماید و تمام دانش آموزان در نظر او مانند مجسمه های بی روح هستند که همه مثل هم و در باره آنها قضاوت جمعی مینماید با آموزگار دیگری که بطور زنده و باروح ببوضوح تدریسی خود علاقه داشته فرد فرد دانش آموزان را با اختصاصات شخصی و روحی او مورد

توجه قرار داده و متد و اسلوب خود را با مورد بخصوص هر فرد تطبیق و قضاوت در باره امتحان ونمره نماید . البته مقایسه این مورد فرق طرزتکر مکانیکی و بی روح را با یک فردی که معلومات زنده داشته و در هر آن مورد توجه خاص قرار میدهد واضح مینماید .

چنین آموزگاری نه فقط خود موجودی زنده و متجسس و فعال است بلکه دانش-آموزانی که از او تعلیم میگیرند نیز در نحت تاثیر نشاط و ذوق و افکار وی بهتر میتوانند از تدریس او استفاده نمایند . فواید وجود این قبیل عناصر نه فقط از لحاظ استقلال ذاتی و اهمیت شخصیت خود آنهاست بلکه متضمن نتایج سودمندی برای جامعه میباشد که مهمتر از همه تاثیر وجود و شخصیت آنها در دیگران است که افراد را از صورت خشکی و خودکاری یا رخوت و سستی بیرون می آورند .

دانش آموز نباید دروس و مواد تحصیلی را مکانیکی و بی روح فرض نماید ، هر موضوع علمی را که در نظر بگیریم در واقف یک حقیقت مسلم با موجود زنده است که با محیط خود ارتباط دارد ، در هر تذکار و برخوردی باید دقیق شده و عیدیه فکر نموده تا مناسبات آنها با سایر حقائق کشف گردد ؛ دانش آموزی که حافظه محدود و جرد کار ندارد و با حرارت کار میکند هیچیک از مسائل علمی برای او حل و تمام شده نیست بلکه در هر فرصت کات تازه ای کشف مینماید زیرا هر موضوع علمی قابل نشو و نما و تکامل است که نشو و نما و تکامل روحی و فکری ما باید آنها تعقیب و دائما تاویل و تفسیر نماید ، همیشه هیئت اجتماع از ما انتظار معلومات عمیق و روشنی را دارد که مفید و منشاء اثر باشد نه معلوماتی که طوطی وار و بی روح است و البته حصول نتیجه بسته بنوع تحصیل و یاد گرفتن است ، کسانی که دارای معلومات عمیق مینباشند برای خود و محیط خود منبع فیضی بشمار می آیند .

۳ - علاوه بر دو نوع حافظه مذکور یک نوع دیگری وجود دارد که از آن دو کاملا متمایز است - اغلب شده است بعضی قطعات عالی ادبی یا قطعاتی چند از قسمت های موسیقی کلاسیک عالی شنیده شده و بعد چیزی از آنها در حافظه باقی نمانده است . غالبا اشخاص معمر خاطراتی از جوانی دارند ، منظومه ها و قطعات انتخابی از شعر و نظم و موسیقی شنیده و فرا گرفته اند ولی حالا تقریبا از آنها هیچ بیاد ندارند ، آیا شنیدن یا خواندن این قطعات در زندگی و احوال روحی ما بیفایده و بدون تاثیر بوده است ؟

جای تردید نیست که بدون فایده و اثری نبوده و البته هنرمندی در این نیست که تمام آن قطعات همانطوری که هست حفظ و ضبط گردد بلکه ارزش معنوی و حقیقی آنها در انعکاس و اثر قطعات و قسمت های مزبور میباشد که روح و قلب و ذوق و احساسات ما را تطبیف و تربیت نموده و باعث تکامل ملکات روحی میگردد .

بنا بر این لازم نیست که این آثار و قطعات را کاملا و بطور وضوح بخاطر

بسیارم و جاهد باشیم که در خاطر ماقتی بندد بلکه باید در اینمورد از حافظه خود این انتظار را داشته باشیم که تاثیر معنوی و عمیق و حیات بخش آنها در روح ما زنده و جاوید بوده و برای همیشه باقی و پایدار ماند .

در صورتیکه تشبیه عالی و دانی مجاز باشد میتوان تاثیر این شاهکارهای هنرمندانه و ظریف را در روح تشبیه بتاثير يك غذائي نمود که هم لذیذ و هم مفوی باشد اگرچه همان غذا در بدن و بشکل اولی باقی نماند ولی در هر صورت بشکل دیگر نیز منبم قوه و قدرت بوده و وضیعت ساختمان و تکمیل بدن ما همانا مربوط بتاثيرات آنست همینطور هم تاثیر مرموز این شاهکار های هنرمندانه از بین نمرود و بمنزله غذایی میباشد که وضیعت ساختمان و تکامل روحی و تربیت معنوی ما مربوط باترات این قبیل مطالعات و معلومات است این نوع شاهکار های بدیع و آثار دلیذبری که مولود ذوقهای شریف و روح های بزرگ هستند در روح انسانی تاثیر خاصی داشته هضم میشوند این نوع ابداعات و معلومات گنجینه روحی ما را نروتمند و غنی تر مینماید هر قدر شخص مسن تر میشود بهتر حس میکند که خواندن یا شنیدن و مطالعه آثار هنرمندانه و شاهکار های بدیع دانشمندان و موسیقی دانها رفته رفته احساسات را لطیف و روح را شریف و عالی مینمایند .

مهمترین نکته برای تربیت روحی و اخلاقی همانا استفاده از این سه نوع حافظه و کسب معلوماتی است که متناسب و شایسته هر کدام از انواع سه گانه حافظه است ، در صورتی که واقعا بتوانیم از هر يك در حدود امکان و بقدر لازم استفاده کنیم البته همه آنها برای زندگی ما مفید خواهند بود . حافظه خودکار باید وظیفه خود را در حدود مأموریت خود انجام داده و اجازه نداشته باشد از حد لازم تجاوز نموده زندگی انسان را خشک و بی روح نماید حافظه زنده و معرفت و معلومات متناسب با آن باید میدان وسیعی در زندگی انسانی ما اشغال نموده و معلومات و عملیات ما نسبت به هدف زندگی باید دانسته و فهمیده و از روی اراده و توجه دقیق بعمل آید و بالاخره باید بحفظه نوع اخیر فرصت بدهیم که در جوانی گنجینه خاطرات ما را از شاهکار های بدیع هنرمندانه پر نموده و تاثیرات حیات بخش هود را در نجیب و شریف نمودن روح انسانی ظاهر سازند .

